دلیل عدم التفات مفسرین به روایت ابوفاخته

اما چیزهایی که دنبالهٔ این می‌آید هر کسی به تناسب خودش می‌فهمد. واقعش این است که این مخلوقات ضعیف چیزی نمی‌دانند. خدای متعال هم که کتابش را نازل کرده می‌داند در هر زمانی چه کار کند. بینی و بین الله عرض می‌کنم. این به ذهن من می‌آید اما اینکه وقتش چه زمانی برسد، نمی‌دانم. اگر از روز اول آقای طبری که تفسیرش در دست همه بود، حرف ابوفاخته را ابتدای سوره بقره آورده بود آلآن فضاهای بسیار وسیعی در کتب تفسیری فراهم بود. خدا برای وقتش می‌گذارد. حالا کی بیایند! خیلی عجیب است؛ فخررازی بیست قول بیاورد اما اصلاً به این اشاره نکند. این همه تفاسیر ده وجه، پانزده وجه و... ذکر می‌کنند اما یکی از آن‌ها این را نمی‌گویند که ابوفاخته گفته «منها یستر‌ج القرآن». آن هم با این مضمون بسیار بالا! اگر طبری اول سوره بقره می‌آورد این‌گونه می‌شد اما او ذیل آیه محکم و متشابه آورده، مفسرین هم در آن جا می‌گویند. اما اگر از آن جا بیاید و ذیل حروف مقطعه صحبت شود مطلب دیگری است. فقط به محکم بودنش نگاه کرده‌اند.

ابوفاخته چه گفت؟ «منه آیات محکمات هنّ ام الکتاب»، گفت: «ام الکتاب فواتح السور منها یستخرج القرآن، الم منها یستخرج سورة البقره، الم الله لا اله الا هو، منها یستخرج سورة آل عمران». این کل حرف او بود. البته طبری در سوره حجر هم از او نقل کرده. گفت «السبع المثانی هو ام الکتاب». ما هم می‌گوییم ام الکتاب یعنی سوره مبارکه حمد، اما اینکه خود ابوفاخته -که از اصحاب خاص امیرالمؤمنین بوده، هم ردیف کمیل و سلیم بوده- این دو را در کنار هم بگذارد فضای دیگری باز می‌شود.

این فضا مانعی ندارد. اما اینکه از این چه در بیاید...؛ شما همین حدیث را به‌عنوان یکی از اقوال در اول تفسیر مطرح کنید. یعنی هر کسی که ابتدا به ساکن بحث تفسیری حروف مقطعه را می‌بیند به‌عنوان یکی از اقوال این را هم ببیند تا در ذهنش نقش ببندد که صاحبی خاص امیرالمؤمنین راجع به حروف مقطعه این را گفته. اگر از روز اول به این صورت بود آلآن یک فضای بسیار وسیعی در کتب تفسیری بود. البته من این‌ها را طلبگی عرض می‌کنم. نمی‌دانم شما تأیید می‌کنید یا نه. اما من گمانم این است. ولی خداوند کتابش را در هر زمانی می‌گذارد که روی آن بحث شود؛ «لاتفنی عجائبه».

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 15:16:11 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 09:53:12 توسط ... .